

پرسش ۴۴۳: سوالاتی در مورد فرزند شبیهه

السؤال / ۴ ۴ ۳ : بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم سيدي ومولاي الإمام أحمد الحسن وصي ورسول الإمام
المهدي (ع).

سؤال / ۴۴۳ : بسم الله الرحمن الرحيم

آقا و مولایم سید أحمد الحسن وصی و رسول امام مهدی (ع) سلام علیکم

يا محال معرفة الله .. سيدي خادمك ابنك في شدة وألم عميق لا يعلمه إلا الله
ومحمد وآل محمد (ص). إمامي كما علمت منكم أن الأمر الذي قمت أنا به هو حكم
الشبه نتيجة تبرعي بحيامني المنوية إلى زوجة أخي، ولم يكن تبرعي هذا إلا
بسبب أمرين:

ای جایگاه شناخت خداوند آقای من، فرزند خادم شما در سختی و درد زیادی به سر
می برد که جز خدا و محمد و آل محمد (ص) آن را نمی دانند. امام من، همان طور که از
شما دانستم، مسئله ای که من اقدام به تبرع اسپرم منی خود به همسر برادرم کردم
حکم شبیهه دارد، و این تبرع من به خاطر دو امر بوده است:

الأول كما بينت لك سيدي وهو خوفي وعاطفتي على عائلة أخي من الانفصال
والحزن الشديد الذي رافق حياتهم بسبب عدم الأطفال .. عند ذلك تحركت عاطفتي
ورحمة بهم أن أسأل الشرع هل من حقي أن أتبرع لهم بعد إخبار أخي الأطباء بأنه
لا يمكن أن تكون له ذرية؛ لأن نسبة الحيامن عنده صفر .. واستمر هذا الأمر مع
أخي فترة طويلة، فعندما وجدت أمرهم يرثي له عند ذلك قمت أن أسأل الشرع
والمتمثل في وقته عندي فقهاء آخر الزمان؛ لأنه لسوء حظي ولظلم نفسي لم
أعرف أن وصي ورسول الإمام المهدي (ع) قد ظهر، فكنت أبحث عن الإجابة من
فقهاء آخر الزمان، وأنا أعيش في بلد غربي فوكلت الأمر إلى أحد رجال الدين

الذي لنا ثقة بمعرفته وهو بدوره يسأل لنا عن حلية هذه القضية؛ لأن كنت أعلم له حظ من علم الدين حيث كان له اجتهاد متجزئ حسب تعبيراتهم الحوزية ..

اول: آقای من همان طور که بیان کردم، ترس و علاقه من نسبت به خانواده برادرم از جدایی و ناراحتی شدید به خاطر فرزند نداشتن که در زندگی آنها بود... حس عاطفهام مرا واداشت که از صاحب شرع سؤال بکنم که آیا حق دارم برای آنها تبرع و بخشش کنم، بعد از این که پزشکان برادرم را مطلع نمودند صاحب فرزندى نمی شود، چون نسبت اسپرم در نزد وی صفر است... این مسئله مدت زیادی با برادرم بود، وقتی دیدم زندگی آنها این گونه است، با خود گفتم از صاحب شرع بپرسم، که تمثیل کننده شرع در آن وقت فقهای آخرالزمان بودند، چون به خاطر بدبختی و ستم به خودم، نمی دانستم که وصی وفرستاده امام مهدی(ع) ظهور کرده است، و به دنبال یافتن پاسخ را از فقهای آخرالزمان بودم، درحالی که من در یکی از کشورهای غربی زندگی می کنم و پی گیری این مسئله را به یکی از مردان دینی (روحانیت) سپردم و من به خاطر شناختی که نسبت به او داشتم، به ایشان اعتماد کردم، و ایشان برای ما در مورد حلال بودن این قضیه سؤال می نمود، چون می دانستم ایشان بهره ای از علوم دینی دارد، و به حسب تعبیرات حوزوی ایشان، مجتهد متجزئ هستند.

وبدا الاتصال بيني وبين هذا الشخص لكي نتحقق من حلية هذا الأمر، واستمر الاتصال بيننا فترة طويلة ما يقارب الشهرين على هذا الأمر حيث يقوم هو بعرض سؤالي على من هم أهل الاختصاص من أهل البحوث والمراجع، وسأل أكثر من شخص عن هذا الأمر .. وأتذكر قوله لي قال لا بد أن نتأني ونسأل حتى لا يولد لنا شخص مثل صدام .. أي لا بد من معرفة حليتها مئة بالمئة وأنا بدوري لم أستعجله .. وبعد الاستفسارات والأسئلة فيما بيننا عن طريق الهاتف واستمرت ما يقارب الشهرين واحتمال أكثر جاء لي بجواب الحلية بهذا العمل .. بعد ذلك توكلت على الله وقمت به .. وأصبحت زوجة أخي حامل بعد عناء طويل أيضاً لكي تصبح حاملاً ومن ثم أثناء الحمل أيضاً أصبحت لها متاعب. حتى أنها أي زوجة أخي أثناء الحمل رأت رؤيا أنها تأخذ سونار وكانت التي تأخذ السونار امرأة محجبة وقالت

لها إنك سوف تمرين بشدة والذي يخلصك من هذه الشدة أن تدعو النبي عيسى ومريم(ع)، وتقول زوجة أخي فعلاً عندما ذهبت إلى الدكتورة بعد ذلك وجدت الضغط مرتفع .. وعندما ذهبت إلى السونار قالوا لي إن الطفل بخطر ولم يصل له الدم واحتمال موته .. فظلت أتوسل بالنبي عيسى ومريم(ع) وأدعو الله بهم .. وقد استجاب الله دعائي ونزلت الطفلة سالمة وإن كانت صغيرة جداً ووضعت في حاضنة في المستشفى لمدة أشهر، فكانت هذه الرؤيا من ضمن الأسباب الذي تجعل عندي الاطمئنان للعمل الذي قمت به من التبرع بالحيامن المنوية.

و تماس های من و این شخص شروع گردید تا از حلیت این مسئله مطمئن شویم، و تماس بین ما در مورد این مسئله مدت زیادی در حدود 2 ماه طول کشید، و ایشان سؤال من را به افرادی که اهل تخصص و اهل تحقیق و مراجع بودند عرضه کرده بود، و از تعداد زیادی این مسئله را پرسیده بود... و سخنش را به یاد می آورم که می گفت: باید صبر کنیم و سؤال کنیم تا فردی مثل صدام برای ما متولد نشود، به این معنا که 100 درصد یقین کنیم که این کار حلال است، و من نیز عجله نمی کردم... و بعد از استفتات و سؤال ها که بین ما از طریق تلفن رد و بدل می شد که در حدود دو ماه یا بیشتر طول کشید، و احتمال بیشتر به حلال بودن این عمل برای من آمد... بعد از توکل بر خدا شروع به انجام این کار نمودیم... همسر برادرم بعد از تحمل سختی های زیاد نیز حامله شد، و در اثناء حامله بودن سختی هایی برای او نیز بوجود آمد به طوری که همسر برادرم در اثناء حامله بودن، رؤیایی دید که سونوگرافی می کند و کسی که سونوگرافی می کرد یک زن محجبه بود، و به وی گفت: شما به زودی با مشکل سختی روبرو می شوید و کسی که شما را از این سختی نجات می دهد دعا کردن حضرت عیسی و مریم(ع) می باشد. و همسر برادرم می گوید: وقتی بعد از آن به دکتر رفتم دیدم که فشار خونم بالاست و هنگامی که به سونوگرافی رفتم به من گفتند که کودک در خطر است، و خون به او نمی رسد و احتمال دارد بمیرد.... اینجا بود که به عیسی پیامبر و مریم(ع) متوسل شدم و به واسطه آنها به خدا متوسل شدم... و خدا دعایم را مستجاب نمود و کودک سالم متولد شد، هر چند خیلی کوچک بود، و چند وقت ماهی در

دستگاهی در بیمارستان بود، و این رؤیا از جمله دلایلی بود که برای من اطمینان به وجود آورد که این کاری که اقدام به تبرع اسپرم منی کردم درست بوده است...

والرؤيا التي أنا شاهدها بعد ولادة الطفلة بفترة من أني من أنصار الإمام المهدي (ع) وغيرها من الرؤى التي بها بشارة من آل البيت لي، كل هذه الأمور كانت تجعل في قلبي الاطمئنان للعمل الذي قمت به، ولكن سيدي ومولاي أحمد الحسن عليك وعلى آباءك الأئمة وأبنائك المهديين (ع)، بعد ورود جوابك لي قد تغيرت أموري كلها والآن أنا في حزن وتعب شديد لا أعرف ماذا أعمل لكي أكفر عن عملي القبيح ... أردت الخير لي وإلى أخي عند الله وإذا أنا أعمل عكس شرع الله.

و رؤیایی که بعد از ولادت کودک دیدم به این که من از انصار امام مهدی (ع) هستم و به غیر از این از رؤیایها که خود بشارتی از خاندان اهل بیت برای من است، تمام این مسائل این اطمینان را در قلبم بوجود آورد که کاری که انجام دادم درست بوده است، ولی آقا و مولایم احمدالحسن، که بر شما و پدران امامان و فرزندان مهدیین (ع) سلام باد، بعد از دریافت پاسخ شما تمام امور تغییر کرد و من الان در ناراحتی و سختی زیاد به سر می برم و نمی دانم چه کار کنم تا کار قبیح را بپوشانم..... خوبی را برای خودم و برادرم در نزد خدا می خواستم اگر من بر عکس شرع خدا عمل می کنم.

سيدي ومولاي بالإضافة إلى ما ذكرته لك من الأمر أريد أن أعرف أمر الله به .. وكذلك سيدي:

آقا و مولای من علاوه بر مطالبی که عرض نمودم که می خواهم دستور خدا را در این مورد بدانم... هم چنین:

۱- ما معنى حكم الشبه، هل هو ابن حرام أم لا، وكيف نرفع هذه الشبه ونعلم بحقيقة الأمر؟

۱- معنی حکم شبهه چیست، آیا فرزند حرام است، یا نه، این شبهه را چگونه برطرف کنیم و حقیقت امر را بدانیم؟

۲- هل أعلم الطفلة عندما تكبر وكذلك أطفالی بالحقیقة وأعمام الأطفال، أم لا؟

۲- آیا وقتی کودک بزرگ شد، او را از این مسئله مطلع کنم، هم‌چنین کودکان خودم و عموهای کودکانم را (مطلع کنم) یا این کار را انجام ندهم؟

۳- ما هو الواجب علیّ اتجاه الطفلة؟

۳- کاری که در قبال این کودک باید انجام بدهم چیست؟

۴- لا تنساني من دعائك سيدي ومولاي أحمد عليك السلام وأنت ترى حالي وظلم نفسي.

۴- آقا و مولای من، احمد(ع) مرا در دعایت فراموش نکن، در حالی که شما حال من و ستم مرا به خودم می‌دانی.

۵- هل تقبلني خادم وابن لك بعد علمك بحالي هذا؟

۵- بعد از این که حال مرا دانستی، آیا مرا به عنوان خادم و فرزند خودت قبول می‌کنید؟

وفي الختام أعتذر منك سيدي؛ لأنني سببت لك أيضاً التعب والألم بسماع خبري هذا؛ لأن بطاعتكم وإطاعة شرع الله ندخل السرور على قلبك.. وإني بعلمي هذا قد أحزنتك، راجياً أن تسامحني يا سيدي ومولاي، وأتوسل لك سيدي أن تدعولي بغفران عظيم جريرتي وذنبي وأن تقبلوني خادم أقبل تراب أقدامكم، وأسأل الله أن ينصركم ويمكنكم من عدوه وعدوكم.

در آخر از شما آقای من عذر خواهی می کنم، چون من نیز سختی و دردی به سبب شنیدن این خبر، برایتان ایجاد نمودم، چون با اطاعت از شما و اطاعت از شرع خداوند، دل شما را شاد می کنیم.. و من با این کارم شما را ناراحت نمودم، آقا و مولای من، امیدوارم که مرا ببخشید، و آقای من به شما متوسل می شوم تا برایم دعا کنید تا گناه بزرگ مرا ببخشد و قبولم کنید به این که خاک قدم های شما را ببوسم، و از خدا می خواهم که شما را یاری کند و بر دشمنان خود و دشمنان شما پیروز نماید.

أسأل الله وأترجاكم أن يكون الجواب سريعاً؛ لأن أخوكم إن قبلتموه أخاً لكم على أحر من الجمر في انتظار الجواب، ولكم مني كل الشكر والاحترام.

المرسل: أنصار الله

از خدا می خواهم و امیدوارم که پاسخ سریع به دست من برسد، چون برادر شما، اگر مرا به عنوان برادر قبول کنید، شدیداً در انتظار جواب شماست، و تمام احترام ها و تشکر از سوی من خدمت شما.

فرستنده: أنصار الله

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

ابن الشبهة ينسب إلى والديه وهو ليس ابن حرام وفقم الله، ففي الحالة المذكورة يكون صاحب الماء هو والد الطفلة وصاحبة البويضة هي الأم وترثهما ويرثانها.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

فرزند شُبهه به والدینش مُنتسب می شود، و فرزند حرام نیست خدا شما را مُوفق نماید در این حالت مذکور، صاحب آب (و منی) پدر کودک و صاحب تخمک مادر است و او از آن ها به ارث می برد و آن ها از او به ارث می برند.

أما إعلام البنت عندما تتمكن من وعي الأمور فهذا أمر لابد منه وفقكم الله، وهناك أيضاً أمر مهم، وهو أن أبناء أمها صاحبة البويضة هم أخوتها من الأم، وأبناء أبيها صاحب الماء هم أخوتها من الأب. أما واجبك تجاهها فهو واجب الأب تجاه ابنته.

اما خبر دادن دختر هنگامی که توانست امور را درک کند، این امر باید صورت گیرد خداوند شما را توفیق دهد و در این جا مسئله مهمی وجود دارد، این که فرزندان مادرش صاحب تخمک حکم برادرانش از جهت مادر هستند و فرزندان پدرش صاحب آب (منی) خواهر و برادران پدری او هستند، اما وظیفه شما در قبال وی همان وظیفه ای که پدر در قبال دخترش دارد می باشد.

وأسأل الله أن يوفقكم لخير الآخرة والدنيا، وأن يوفقني لأداء حقوقكم وفقكم الله.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول/ ١٤٣١ هـ

و از خداوند می خواهم که برای انجام کارهای خوب آخرت و دنیا شما را مُوفق کند، و مرا برای اداء حقوق شما مُوفق کند خداوند شما را مُوفق نماید. و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - ربيع الأول / ١٤٣١ هـ

